بسم الله الرحمن الرحیم. درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 20 اسفند 1396.

ما در مورد این روایت بحث می کردیم که علی بن محمد عن محمد بن احمد عن العباس بن معروف بود که عرض کردیم که یک موقعی ما اینجا از بحث تمییز مشترکات در واقع بیشترین راهی که برای تمییز مشترکات مورد استفاده قرار می گیرد و شاید از همه راه ها قوی تر باشد استفاده از راوی و مروی عنه با هم است. گاهی اوقات ما تنها راوی را در نظر می گیریم گاهی تنها مروی عنه را در نظر می گیریم گاهی هر دو را با هم در نظر می گیریم. استفاده از راوی و مروی عنه با هم شاید بهترین روشی باشد که مورد استفاده قرار می گیرد. ما در این روایت علی بن محمد، این اصل قضیه

گاهی اوقات در سند ما دو نفر راوی مشترک وجود دارد. جایی که دو راوی مشترک وجود دارد بحث دشوار تر می شود که بحث ما از این قسم است. علی بن محمد داشتیم محمد بن احمد داشتیم که هر دو شان مشترک بودند. خب ما اول رفتیم روی محور علی بن محمد این علی بن محمد شیخ کشّی بود. در واقع روایت هایی که کشی که راوی هست از علی بن محمد از محمد بن احمدی که مرویّ عنه است آن روایات را آمدیم سنجیدیم. خب این علی بن محمد 4 تا سند در موردش گیر آوردیم چیز قابل توجهی به دست نداد. علی بن محمد بن قطیبه عن محمد بن احمد بود. علی بن محمد هم محمد بن احمد بن ولید بود. علی بن محمد محمد بن احمد بن یحیی دو مورد. تعداد روایت هایش خیلی قابل توجه نبود

سؤال:

پاسخ: آن دو تا هم که تحریف است دو تا باقی می ماند که دو تا چیز قابل توجهی نیست که بتوانیم به تنهایی در موردش حکم خاصی صادر کنیم. این است که ما رفتیم روی به محوریت محمد بن احمد که مواردی که علی بن محمد راوی است از محمد بن احمد و محمد بن احمد هم راوی است از عباس بن معروف که عرض کردم اینها را در این برنامه های کامپیوتری بهترین راهش با فلش است. ما علی بن محمد فلش محمد بن احمد فلش العباس بن معروف. اینها را دنبال کردیم. ما پنج روایت اینجا پیدا کردیم که این 5 روایت را در جلسات قبل خواندیم یک کمک خوبی برای ما کرد. آن این است که به نظر رسید که این مطلب از مجموع آن 5 مورد که علی بن محمدی که کشی مستقیم از او نقل می کند با علی بن محمدی که محمد بن مسعود از او نقل می کند اینها یکی هستند. این مرحله خیلی برای ما مهم است. یک دفعه یک فتح البابی است در این بحث. بعد از این مرحله ما دوباره بر میگردیم اینبار علی بن محمد هایی که از محمد بن احمد نقل میکنند و راوی اش محمد بن مسعود است اینها را هم دنبال می کنیم.

نیاز به احراز هم نیست بگوییم احراز کردیم. احتمال زیاد هم در این مطلب باشد یک احتمال قابل توجهی هم باشد این هم کافی است برای این که ما مواردی که محمد بن مسعود از علی بن محمد نقل می کند را پایش را وسط بکشیم. یک موقعی این است که برویم همه علی بن محمد هایی که در اسناد وجود دارد را بخواهیم همه آنها رابررسی کنیم با این علی بن محمد های اینجا یکی هستند آن یک روش بسیار دشواری است یعنی شاید روش طبیعی نیست که این شکلی بخواهیم دنبال کنیم. ما باید گام به گام و مرحله به مرحله پیش برویم. ما ابتدا در واقع علی بن محمد هایی که کشی مستقیم از او نقل کرده است را دنبال کردیم بعد رفتیم روی محمد بن احمد دیدیم محمد بن احمد اسنادی که به محوریت محمد بن احمد به دست آوردیم یک نتیجه ای به ما داد ولو نتیجه ظنی. علی بن محمدی که محمد بن مسعود از او نقل می کند با علی بن محمدی که کشی از او نقل می کند یکی است. بنابراین ما می آییم الآن این دفعه باز بر می گردیم روی همان علی بن محمد

سؤال:

پاسخ: آن روز سند ها را زیر هم قرار دادیم. مشابهت های سندی را آن روز زیر هم قرار دادم به خاطر همین بود. ولو عرض کنم یک قرینه ظنیه نمی خواهم فعلا قرینه قطعیه

می خواهیم پای محمد بن حسن را وسط بکشیم ممکن است همین که در این اسناد محمد بن مسعود را که کشیدیم وسط این نتیجه ظنی هم که به دست آوردیم خودش قطعی شود. ما محمد بن مسعود از یک طرف داریم فلش علی بن محمد فلش محمد بن احمد

در کشی ما جستجو کردیم ولی فقط مواردی را مورد بررسی قرار دادیم که مستقیم بود. این که من برای جستجو کردن کل آن را جستجو کردم. ولی بررسی ای که انجام شد بررسی روی علی بن محمد هایی چون ما نمی توانستیم بدون کشی چون کشی را در سلسله سند به یک معنا به صورت ظاهری واقع نیست ما برای جستجو کردن علی بن محمد فلش محمد بن احمد زده بودیم. ولی بررسی ای که کردیم چهار سند علی بن محمد هایی که صدر سند بود را دنبال کردیم. البته در برنامه های کامپیوتری علامتی برای صدر سند هم دارند ولی مشکل ما این است که این صدر سند صدر سند های ظاهری است. یعنی اگر یک روی، یا حدثنی سرش باشد نمی آورد. اخبرنی آورده با شد نمی آورد. این است که ما مجبوریم به این صورت دنبال کنیم. خب ما محمد بن مسعود فلش علی بن محمد فلش علی بن احمد را دنبال می کنیم که البته توجه دارید که این علاوه بر مواردی که در علاوه بر مواردی که در رجال کشی هست سند های دیگر هم برای ما می آورد. فقط آن نمی آورد در نتیجه می تواند چیز خوبی برای ما باشد. خب ما الآن من اینها را آوردم الآن دارد می آورد. یک سری این مواردی هست بعضی هایش دوباره علی بن محمد از محمد بن احمد هست که مبهمات هست مثل کامل الزیارات که خب آن خیلی به درد ما نمی خورد. یکی در کمال الدین ابو عمرو الکشی

سؤال:

پاسخ: نه محمد بن مسعود من چیز کردم دایره اش محدود به محمد بن مسعود هست نه همه علی بن محمد ها.

سؤال:

پاسخ: خیلی فرق ندارد بین محمد بن مسعود هایی که

تفاوت های جدی حالا این را ببینید الآن این موردی که هست ابو عمرو الکشی قال حدثنا محمد بن مسعود قال حدثنا علی بن محمد القمی عن محمد بن احمد بن یحیی عن ابراهیم بن هاشم که دقیقا با یکی از آن سند های خود کشی ما هم یکسان بود. ما در کشی علی بن محمدی که مستقیم کشی نقل می کند علی بن محمد عن محمد بن احمد بن یحیی عن ابراهیم بن هاشم هم داشتیم که باز آن نتیجه ای که علی بن محمدی که کشی مستقیم از او نقل می کند با علی بن محمدی که کشی به توسط محمد بن مسعود از او نقل می کند یکی بودند را تقویت می کند. حالا من این را یادداشت می کنم ابو عمرو الکشی

من اینجا البته بین عن و قال حدثنا در بعضی از بحث های ظریف رجالی تفاوت ها و فوائدی هست ولی من برای این که بحث دیگر آنها را همه را تبدیل به عن می کنم که بحث راحت تر شود. ابو عمرو الکشی عن محمد بن مسعود عن علی بن محمد القمی عن محمد بن احمد بن یحیی عن ابراهیم بن هاشم. این کمال الدین 329، دوازده. ببینید کل سندی که اضافه شد همین یک سند است. چون محدوده خیلی خاصی را محمد بن مسعود یک محدوده خیلی

به طور کلی نیازی نیست چون فرقی ندارد که این محمد بن مسعود را در کشی باشد یا در غیر کشی. ویژگی ای ندارد در کشی بودنش. البته می شود فی الجمله ما

نه ما در واقع می خواهیم بگوییم آن علی بن محمد که محمد بن مسعود از او نقل می کند با علی بن محمد که کشی مستقیم از او نقل می کند یکی است. علی بن محمدی که کشی از محمد بن مسعود از او نقل می کند خیلی خصوصیت ندارد.

خب حالا برویم در رجال کشی. البته می گویم یک سری چیزهای خارجی اطلاعات خارجی هم دخالت دارد در این که ما

من می دانم که محمد بن مسعود عمده روایت هایش در کشی است. این خودش دخالت دارد وقتی محدوده را می خواهم چیز کنم خیلی نگران این نباشم که اگر محدوده را وسیع کنم نتوانم جمع کنم آن را. چون می دانم خارچ چیز فوقش این است که سه چهار سند دیگر اضافه شود و این سه چهار سند دیگر به ما کمک می کند برای چیزهای ما. خب ما محمد بن مسعود را حالا می آییم در رجال کشی. محمد بن مسعود از علی بن محمد عن محمد بن احمد یک مواردی باز به صورت مبهم وجود دارد. آن را حالا فعلا رد می شویم. این نکته را هم بگویم که اینهایی که می گویم فعلا رد می شویم اگر نتوانستیم با سند های صریحا مشخص حل کنیم ممکن است بیاییم از همین مبهمات با قرائنی اگر این مبهمات را حل کنیم خود آن مشکل ما را حل کند ولی آن در جایی ما به این بحث ها مراجعه می کنیم که نتوانیم سند های صریحا روشنی پیدا کنیم که مشکل ما را حل کند. اگر سند های صریحا حلّال مشکل پیدا کردیم که خب راحت تر رجال کشی یک مورد من حالا مواردش را می خوانم بعدا یادداشت می کنم. محمد بن مسعود علی بن محمد محمد بن احمد بن یحیی عن محمد بن صفری. محمد بن صفری که در نسخه بدل می گوید که یک اختلاف نسخه های رنگارنگی هم دارد. محمد بن مسعود علی بن محمد محمد بن احمد بن یحیی عن العباس بن معروف. محمد بن مسعود علی بن محمد بن احمد النهدی عن العباس بن معروف. محمد بن مسعود علی بن محمد القمی عن محمد بن احمد. محمد بن مسعود علی بن محمد القمی عن محمد بن احمد بن یحیی. اینها را حالا من الآن یک سری را می خوانم. خب حالا من اینها را یادداشت عرض کنم خدمت شما دیگر یادداشت نمی کنم سند هایش را چیزی که از این مجموعه به راحتی استفاده می شود این است که کسی که در این سند مشابه به طور متکرر به عنوان محمد بن احمد یافت می شود محمد بن احمد بن یحیی است. این تقریبا روشن است که تقریبا در این سند های مشابه محمد بن احمد دیگری ما نداریم یک محمد بن احمد نهدی داشتیم که قبلا بحثش را کردیم که آن سند غریبی بود. این هم که خواندم همین بود. این هایی که ما داریم حالا من منهای آدرسش فقط علی بن محمدش را می خواهم یادداشت کنم که حالا به صورت سند کامل می آوردیم و با هم مرتب و منظم می کردیم و زیر هم می آوردیم بهتر می شد بحث را ساخت. ولی الآن چون فرصت ندارم بگذارید عیب ندارد می نویسم

علی بن محمد محمد بن مسعود علی بن محمد، محمد بن احمد. محمد بن مسعود عن علی بن محمد عن محمد بن احمد بن یحیی عن العباس بن معروف

حالا موارد عباس بن معروف را داشتیم قبلا ما دیگر تکرار نکنم حالا چهل و چهار شصت و هشت. صد و بیست و دو. همان نهدی بود. بعدی اش محمد بن مسعود عن علی بن محمد القمی عن محمد بن احمد الکشی 133 بیست و نه. بعدی 152. عن محمد بن احمد عن احمد بن الحسن الکشی صد و هفتاد و چهار. صد و نود و هشت. محمد بن مسعود عن علی بن محمد بن فیروزان القمی عن محمد بن احمد بن یحیی 209. 369 محمد بن مسعود عن علی بن محمد الفیروزان عن احمد بن احمد بن یحیی عن ابراهیم بن هاشم این الکشی 210. 371. محمد بن مسعود عن علی بن محمد بن الفیرزانی القمی عن محمد بن احمد بن یحیی عن ابی اسحاق الکشی 271، 490. محمد بن مسعود عن علی بن محمد بن یزید القمی عن محمد بن احمد بن یحیی عن ابی اسحاق ابراهیم بن هاشم الکشی 271، 275. 494

حالا همین جور مواردی که الآن فرصت ندارم همه اش را یادداشت کنم. این سندی که داشتیم علی بن محمد عن محمد بن احمد بن یحیی عن ابراهیم بن هاشم که در اسناد کشی بود که مرحوم کشی مستقیم نقل می کند در سند های محمد بن مسعود هم مکرر هست. محمد بن مسعود عن علی بن محمد بن فیروزان عن محمد بن احمد بن یحیی عن ابراهیم بن هاشم یا عن ابی اسحاق یا عن ابی اسحاق ابراهیم بن هاشم آن هم سند های متکرری هست که اینها را ما داریم. خب اینجا ما آن محمد بن احمد هایش محمد بن احمد بن یحیی بودنش خیلی رند است. آن که اینجا یک مقداری نیازمند بحث هست علی بن محمد است. ما عناوین علی بن محمد که اینجا داریم که باید در موردش بحث کنیم یک علی بن محمد القمی داریم یعنی در مورد این که مراد از محمد بن احمد در این بن یحیی است موارد متکرری تصحیح شده است مواردی که بر خلاف تسریح شده باشد تک و توک بود که آنها را هم همه را بررسی کردیم دیدیم همه تحریف و این چیزها است و چیز خاصی ته ان نمی ماند. ما در این سند ها یک علی بن محمد القمی داریم یک علی بن محمد بن فیروزان القمی داریم یک علی بن محمد بن فیروزان داریم یک علی بن محمد بن یزید الفیروزانی القمی داریم. علی بن محمد بن یزید القمی داریم. خب در رجال علامه حلی هم یک جایی داریم می گوید محمد بن مسعود این را هم من مخصوصا یادداشت می کنم. علی بن محمد بن مروان، این را به نقل رجال علّامه. خب علی بن محمد القمی علی بن محمد الفیروزان القمی علی بن محمد بن یزید الفیرزانی القمی علی بن محمد بن یزید القمی. خب ما اینجا یک مرحله این است که این عنوان ها آیا یکی هستند یا نیستند. اگر بتوانیم اثبات کنیم که اینها همه یکی هستند بحث ما تمام شده است. اگر نتوانیم اثبات کنیم دوباره بحث تمییز مشترکات بین اینها باید دید که کدام به کدام است. خب اینجا

سؤال:

پاسخ: در همین سند بود. دقیقا محمد بن مسعود از علی بن محمد از محمد بن احمد آن موراد محمد بن مسعودش را آورده بودیم که حالا آن محمد بن احمدش گاهی اوقات بن یحیی دارد گاهی اوقات ندارد. این تعبیرات علی بن محمد القمی، علی بن محمد بن الفیروزان القمی علی بن محمد بن الفیروزان. علی بن محمد بن یزید الفیروزانی القمی. علی بن محمد بن یزید القمی علی بن محمد بن مروان. از این اخیر شروع می کنیم. این علی بن محمد بن مروان را خب در رجال علامه حلی هست. رجال علامه حلی از کشی نقل کرده است. اول مراجعه کنیم ببینیم کشی آیا به همین شکل نقل کرده است می گوید صدیر اسیرهٌ بکل لون

من دارم برای پیدا کردنش این را در رجال کشی به جای علی بن محمد بن مروان علی بن محمد بن فیروزان دارد.

سؤال:

پاسخ: نه همان مورد ها بود. در واقع رجال کشی را ما گشتیم این یکی در رجال علامه است و علامه هم از کشی نقل می کند.

مضمون ها را دیگر نگاه نکرده بودم آنها را در چیز هم

نه بود ولی من چون مضمون هایش را یادداشت نکردم خب علی بن محمد بن این یک مرحله پس بنابراین دو تا عنوانی که هست ممکن است یکی از آنها تحریف دیگری باشد. بحث اتحاد دو عنوان با هم دیگر به این وسیله که یکی از آنها محرّف دیگری باشد. این یک مرحله. البته اگر این هم نبود کسی قواعد تحریف را می دانست می دانست که مروان و فیروزان خیلی شبیه هم است. مروان و فیروزان اصلا مثل هم نوشته می شود و به طور طبیعی همین بحث تحریف را از اول پایش را وسط کشید. خب وقتی مصدر ما وجود دارد بهترین راه این است که به جای این که حدس و گمان به کار ببریم اول مراجعه به مصدر کنیم خودشان مطلب ما را تا حدود زیادی حل می کند. حدس و گمان

سؤال:

پاسخ: نه کنار ز اینها به هم می چسبد دیگر. و ز می چسبد به هم می شود و. آن علی بن محمد بن فیروزان علی بن محمد بن مروان. می ماند عنوان های دیگر. عنوان های دیگر ما در واقع بحث توحید مختلفات را اینجا باید پایش را وسط بکشیم. توحید مختلفات عرض کردم توحید مختلفات ما دو مرحله بحث اصلی در توحید مختلفات داریم. یک مرحله بحث امکان اتحاد بحث دوم اثبات اتحاد. امکان اتحاد مثلا اینها امکان دارد با هم یکی باشند یا نباشند.ممکن است شما بگویید بابا این علی بن محمد بن فیروزان با علی بن محمد بن یزید القمی این دو را که می خواهید یکی بدانید، این علی بن محمد، فیروزان پدر محمد است. در علی بن محمد بن یزید القمی یزید پدر محمد است. دو بابا که نداشته است. ایها را چطوری حل می کنید؟ این بحث مشکل امکان اتحاد ما هست. یک سری قواعدی اینجا هست این قواعد به ما کمک می کند برای این که امکان اتحاد را درست کنیم.

سؤال:

پاسخ: نه من نشسته بودم در سلمانی بیکار بودم نشستم فکر آن بحث های چیز را هیچ برگه این نداشتم این برگه ریز همراهم بود گفتم به جای بیکاری این درس های بحث را تنظیم کنم و اینها. ما در واقع به تعبیر بحث تمییر مشترکات، یک سرفصل جانبی را مطرح کردیم که خود این سرفصل خیلی مهم است. بحث اسالیب تعبیر است. در واقع قواعد زبانی ای هست قواعد تعبیری ای هست که این قواعد کمک می کند برای این که هم در بحث امکان اتّحاد این قواعد گاهی اوقات کارسازی دارد هم در بحث اثبات اتحاد این قواعد کارسازی دارد. اما در بحث امکان اتحاد ما یک سری بحث ها داریم یکی تعدد اسم. ممکن است بعضی اشخاص دو اسم دا شته باشند. به خصوص اسم ایرانی و اسم عربی. یزید و فیروزان می تواند یزید اسم عربی شخص باشد و فیروزان اسم فارسی اش باشد. این یک. دوم اسم و لقب. دو چیزی که ما می بینیم ممکن است یکی اسم باشد یکی لقب باشد. اسم این آقا یزید باشد و لقبش فیروزان باشد. فیروزان یعنی پیروز و مضمونش هم مضمونی هست که با لقب تناسب دارد. کما این که مثلا عبد الله بن محمد بن عیسی برادر احمد بن محمد بن عیسی به نام بنان هست. بنان، بندار فارسی است یعنی اصیل. یعنی چیز محکم قوی. بنان به این بن به علاوه الف و نون پسوندی است. خب فیروزان هم فیروز به علاوه الف و نون پسوندی است. فیروزان می تواند فیروزان لقب یزید باشد. بنابراین امکان اتحاد از اینجا هست. حالا یک سری چیزهای دیگری هست که البته در اینجا بعضی بحث ها قواعد دیگری هست که من حالا آن قواعد را چون در کلاس راهنما اشاره کردم بعضی هایش را بگویم. تعدد کنیه مثلا در بعضی جاها یکی هست کنیه اش ابوا الحسن است یکی دیگر کنیه اش ابوا علی است. قبل از این این نکته را بگویم ما در واقع در تمییز مشترکات با دو عنوان مواجه هستم. در توحید مختلفات آیا این دو عنوان یکی هستند یا نه. این دو عنوان یک جهات مشترکه دارند که هیچی. یک جهات مختصه دارند. آن جهات مختصه باید بحث کنیم که با هم دیگر می توانند اجتماع کنند یا خیر. بحث امکان اتحاد امکان اجتماع جهات مختصه است. مثلا ابو علی اشعری با احمد بن ادریس خب امکان اتحادش واح است چون ممکن است یک نفر مکنی به ابو علی باشد مسمی به احمد باشد اسم پدرش ادریس باشد منصوب به اشعر باشد. خب اینها امکان اتحادش واضح است چون همه طبق قواعد، ولی در بعضی از موارد این امکان اتحاد نیاز به توجه به یک قواعد زبانی دارد. ما در واقع آن قواعد خاص زبانی را که ممکن است غفلت از آنها منشأ شود که افراد توجه نکنند را یادداشت کردیم. خب این تعدد اسم و لقب عرض کردم یک بحث تعدد کنیه هم از اسم هایی هست که اینها باید دنبال شود. مثلا نجاشی دو کنیه داشته است. هم ابو العباس هم ابو الحسین. یک جایی ابو الحسین هست یک جایی ابو العباس است این که اینها یکی هستند یا دو تا هستند به بحث تعدد کنیه بر می گردد گاهی اوقات ما دو نفری که می بینیم کنیه هایشان متعدد است می گوییم شاید اینها دو کنیه داشته باشند. نکته بعدی قواعد .. تحولات کلمه است. ممکن است یکی از اینها اصلا مبدّل دیگری باشد. علی علّان. که حالا این تبدیل یافته هایش گاهی اوقات به ترجمه است. یک واژه در عربی ترجمه می شود به فارسی که در جلسه کلاس راهنما گفتم مثلا جعفر بن محمد بن قولویه و جعفر بن محمد بن مسرور من این احتمال را می دهم که ترجمه عربی قولویه مسرور باشد. محمد بن حسن زعلان و محمد بن حسن شمبوله، شمویه، نمی دانم امثال اینها نمی دانم چیست این زعلان که به معنای سر حال و شاداب و خیلی شنگول همان شنگول اصلا زعلان همان شنگول است ترجمه اش. شنگوله ممکن است باشد. و دقیقا این احتمال که این شمبویه و فلان شنگوله بوده است و با آنها یکی بوده است. یعنی تبدیل شده به یکدیگر ولو به ترجمه. خب این هم نک اتی است که آیا این تغییرات در آن محیط خاص گفتم الآن پسر من می گفت که در کلاس همه بچه ها برای هم اسم می گذارند. هر کسی روی دیگری. بعد این پسر دایی اش پسر آقای مجد احمد مجد است می گفت یک موقعی به او می گفتند کار آگاه گجت. هر روز هم یک اسم برایش در می آورند. این برای آن در می آورد. این اصلا سبکی است که برای هم اسم در آوردن جزو ویژگی هایی هست که در قم چیز هست. می گوید برای فلانی همچین اسمی در آوردیم. او هم می نشیند فکر می کند که برای او چه در بیاورد. این سبکی هست که اینها دارند. چیزی که شاید در محیط های دیگر انقدر مأنوس نباشد. این هم این مطلب. نکته دیگری که بعد عرض کردم تحولات کلمات یکی ترجمه است یک واژه ترجمه دیگری باشد. یکی تتورات آن واژه ترجمه نمی شود آن تغییرات و تحولاتی پیدا می کند. علی می شود علّان. محمد می شود حمودی. و علی می شود علاوی. این تغییراتی که به خصوص الآن در کتاب مشنار المحاضره هست مال قاضی تنوخی در حاشیه اش خیلی جاها می گوید لهجه بغدادیه. به خصوص در بغداد انگار این لهجه خیلی چیز هست تغییراتی که

می گویند احمد بن هلال، هلیل در بغدادی ها می گویند. هلال را هلیل می شود در بعضی از تعبیرات ما داریم. احمد بن هلال ابرتایی احمد بن هلیل در بعضی از نقل هایش. کرخی است این آن تصوراتی که من همین هلال و هلیل را در یک جایی در همان حاشیه مشنار المحاضره دیدم بحث لهجه بغدادی. یعنی تحولات در اثر لهجه های محلی. تبدیلاتی که این واژه در تبدیلات محلی پیدا می کند. خب این. خب در این بحث این خیلی نقش ندارد. به هر حال تحولات کلمات. تصغیر. که عباس عبیس. تعریب فارسی عربی شدن ترجمه ای که گفتم. حالا تعریب یک موقعی به نحو ترجمه است. گاهی اوقات تعریب خود این واژه از فارسی می رود به عربی تعریب به آن معنا است. ترجمه را جدا کنیم. تصغیر. ترجمه. تعریب. اعجام. لهجه های محلی. این چیزهایی که در تحولات کلمه مد نظر هست.

سؤال:

پاسخ: بله بله آن غیر از

نه هر دو درست است. یکی از قواعد امکان ساز هم تحریف است. تحریف هست و امثال اینها. خب یک نکته ای حالا وقت گذشته است این را من عرض کنم ما در واقع در توحید مختلفات مقایسه بین جهات مشترکه و جهات مختصه است. اولا این جهات مختصه می توانیم با هم دیگر اجتماع کنند که بحث امکان اتحاد، امکان اجتماع یک چیز فقط اینجا فراموش کردم همین جا بگویم بقیه بحث باشد فردا. آن این است که یکی از قواعد امکان ساز هم نسبت به جد است. این علی بن محمد بن فیروزان و علی بن محمد بن یزید ممکن است یزید پدر محمد باشد فیروزان جدش باشد. و برعکس. البته من اینجا یزید را می گویم پدر هست. علتش این است که فیروزان اسم فارسی است و یزید اسم عربی است. فیروزان در زمان های قدیمی تری فیروزان می گذاشتند چون فیروزان اسم ایرانی هست که در دوره های بعد کم شده است.

اسم های ایرانی را قدیمی ها می گذاشتند چون زمانی بوده است که هنوز با عرب ها مأنوس و مرتبط نشده بودند. این دو تا اگر احتمال را بخواهیم مطرح کنیم فیروزان را باید جد بگیریم یزید را پدر بگیریم. عکسش هم ممکن است نه این که امکان ندارد ولی به طور طبیعی اگر ما بخواهیم باید بگوییم علی بن محمد بن یزید بن فیروزان مثلا بوده است.

سؤال:

پاسخ: نه نه در این جهتی که می گویم خیلی دخالت ندارد.

سؤال:

پاسخ: حالا می گویم آن حالا عرض

یزید بحث نسبت به جد هم خودش یک ضوابطی دارد حالا این را این که می خواهم بگویم این است ما در واقع این را توجه فرمایید من فردا بحثش را توضیح بدهم. بحث توحید مختلفات بر این پایه است که اولا امکان اتحاد دو عننوان هست یا نه. امکان اتحاد یعنی امکان اجتماع جهات مختصه. مرحله بعد بحث اثبات اتحاد است. اثبات اتحاد این است که آیا حالا اینها ممکن بودند با هم دیگر اجتماع کنند ولی خارجا آیا با هم اجتماعشان چند درصد است؟ چه مقدار؟ این خودش مرحله ای است که آیا امکان اتحادشان زیاد است امکان اتحادشان زیاد نیست. و به طور کلی ما در واقع اثبات اتحاد بر اساس این قضیه است که چقدر جهات مشترکه زیاد است. هر چه قدر جهات مشترکه بیشتر باشد و غریب تر باشد. نامأنوس تر و نادر تر باشد. جهات مشترکه. کثرت جهات مشترکه و قرابت و ندرت جهات مشترکه یعنی آن جهت مشترکه ای است که کمتر این جهت مشترکه در افراد اتفاق می افتد. این زودتر ما را به اتحاد می رساند. این خیلی مهم است کثرت و قرابت جهات مشترکه. حالا یک نکته ای وجود دارد الآ« وقت گذشته است من فردا توضیح می دهم. گاهی اوقات یک قواعدی هست جهات مختصه را به جهات مشترکه تبدیل می کند. یعنی از جهات مختصه کم می کند به جهات مشترکه اضافه می کند. این نکته ای است که فردا می خواهم در موردش توضیح بدهم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد